خراسان رضوی

صفحه آخر

پنج‌شنبه
۴ شهریور ۱۳۹۵
۲۲ ذی‌القعده ۱۴۳۷
۸ صفحه / شماره ۳۳۶۷

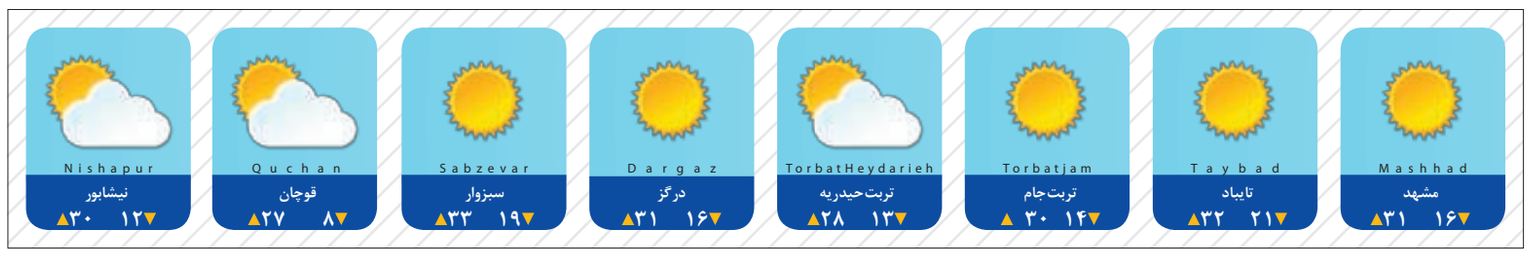

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام جعفر صادق(ع)

چنان از خدا بترس که گویا او را می بینی؛ اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند.

اصول کافی، ج ۳، ص ۱۱۰

شاعران خراسان قدیم

مولانا

خراسان به روایت خراسان

۴ شهریور ماه سال ۱۳۲۹

دست آقای ابن‌الرضا درد نکند

۶۶ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:

مشهد؛ خبرنگار خراسان– پریشب، ساعت دو بعد از نصف شب که صفحات روزنامه زیر چاپ بود، برق خاموش شد و ماشین چاپخانه از کار افتاد و در آن موقع شب دسترسی به شخصی که سیم برق را اصلاح کند، نبود. یک نفر از کارگران به سراغ آقای سیدمحمد ابن‌الرضا، کارمند کارخانه برق خسروی رفته و ایشان، با این که مسئول این امر نبودند، از خواب بیدار و با زحمات زیاد، روی پشت بام یکی از ابنیه آستان قدس، محل اتصال سیم‌ها را پیدا کرده و برق آستان قدس را هم که خاموش شده بود، اصلاح می کنند و ما از اینکه مشارالیه از نظر کمک به چاپ روزنامه، چنین زحمتی را متحمل گردیده و مانع تأخیر انتشار روزنامه شده‌اند، از ایشان سپاسگزاری نموده و امیدواریم که شرکت برق خسروی این قبیل کارمندان لایق و فعال خود را تشویق نماید.

پاسبان کتک خورد، گروهبان به زندان افتاد

مشهد؛ خبرنگار خراسان– پاسبان پاس شماره ۳۲۳ کلانتری یک که دم در کلانتری پاس می داد و مأمور بود کسی از آنجا خارج نشود، موقعی که یک نفر قصد خروج از در کلانتری را داشت، ممانعت به عمل آورد. همراه آن فرد که گروهبان بود، خیال کرد چون گروهبان است و لباس نظامی به تن دارد، نباید کسی متعرض او و رفیقش شود و در مقابل ممانعت، با پاسبان گلاویز شد و پاسبان بیچاره را که گناهی جز انجام دستور نداشت، کتک مفصلی زد. گروهبان مزبور بلافاصله بازداشت و تحت تعقیب درآمد تا من بعد از این فکرهای باطل نکند.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

دکتر قاضی‌زاده هاشمی وزیر فریمانی بهداشت، در صفحه شخصی خود عکسی از پدر مرحومش به اشتراک گذاشت و از تقبّل «حاج سید احمد آقا قاضی‌زاده هاشمی» به حق‌الناس نوشت: «یادم هست اول شهریور هر سال به حساب و کتاب اموالش می‌رسید. اواخر مرداد، دوروزی در خانه می‌ماند. از فرش گرفته تا خوردنی‌هایی را که یک سال مورد استفاده قرار نگرفته بود، محاسبه می‌کرد و وجوهش را می‌پرداخت. یک بار دیدم تخمه خربزه و هندوانه را هم وزن می‌کند. آن وقت‌ها تخمه‌ها را می‌شستند و بو می‌دادند و می‌شد تنقلات زمستانه. گفتم: این‌ها که ارزشی ندارد. سربلند کرد و گفت: آقاجان، کم و زیاد ندارد؛ حساب انسان باید درست و پاک باشد.»

دکتر مریم نوایی، پزشک عمومی شاغل در مرکز بهداشتی درمانی شوراب نیشابور به عنوان سومین زن ایرانی به قطب جنوب سفر کرد.

تنور

عمو شاطر

آسفالت نو، گاز زیاد، جریمه بالا...

آدم‌ها، قصه‌ها

شریعت

گپ و گفتی با «علی اصغر نعیم آبادی»؛ مردی که بار روایت تاریخ را به دوش می کشد

از مداحی در هیئت ۲۰۰ ساله تا فیلم‌برداری از یک انقلاب

«حالا که به عقب باز می گردم، می بینم ما خیلی زندگی کردیم.» این را می گوید و خیره می شود به کنج اتاق، نمی دانم کدام خاطره را مرور می کند که پشت بندش یک آه عمیق می کشد و اضافه می کند: «عاشق تجربه کردن بودیم برای همین هم روی پابند نمی شدیم، زندگی هم به پاس داشت این عشق ما، اتفاقات بزرگی را پیش رویمان گذاشت... فکر نمی کردم یک روز بشوم یک تکه از تاریخ...» «علی اصغر نعیم آبادی» را خیلی‌ها به عنوان یک کتاب متحرک از تاریخ شفاهی این شهر می شناسند. او از انقلاب زوایای پنهان و ناگفته‌ای را با دوربین کوچک فیلمبرداری اش ثبت و ضبط کرده است که حالا مرجع متقنی برای بازخوانی تاریخ به شمار می آید. با این همشهری قدیمی از خودش، کودکی اش، هیئت مذهبی ۲۰۰ ساله‌ای که او نیز یک پای آن است و بالاخره انقلاب در مشهد گفتیم و شنیدیم. آنچه می خوانید، مختصری از انبوه خاطرات اوست.

سنگ قبری که یک مرده در دل خود داشت

برای شروع قصه همین مختصر را می گوید که؛ «سال ۱۳۲۹ در خانواده‌ای مذهبی در محله عیدگاه مشهد متولد شدم، آن زمان عیدگاه وسط باز ارضای فعلی قرار داشت.» و قدمت خاطراتش را با گفتن این نکته به رخمان می کشد که؛ «احداث خیابان خسروی نور ا به خاطر دارم. در آن محدوده یک قبرستان قدیمی بزرگ بود. یادم هست، طی عملیات ساخت این معبر، قبرهای زیادی پیدا می شد. یک روز خبر رسید که یک سنگ کنده کاری بزرگ پیدا شده، که داخل آن جنازه یک آدم قرار داشت. همین تا چند روز خبر یک محله ما بود.» وی ادامه می دهد: بسیاری از آثار قدیمی آن زمان دیگر امروز وجود ندارد. در محله عیدگاه، خاطرم هست که حسینیه قفلگرها یکی از قدیمی ترین و باشکوه ترین تکایای آن زمان بود که در دوره قاجاریه احداث شده بود. تصویر صحن و سرای آن حسینیه زیبا هنوز در خاطرم هست.

هیئتی با ۲۰۰ سال قدمت

او در ادامه از هیئت مذهبی سخن به میان می آورد که در آن قد کشیده و حالا قدمتش به ۲۰۰ سال می رسد؛ «هیئت خاتم الانبیا(ص) در حسینیه قفلگرها که ما الان در آن فعال هستیم، دو قرن قدمت دارد. این هیئت را به این دلیل قفلگر نام دادند که عمده افرادی که بدان رفت و آمد داشتند، حرفه‌شان این بود.» وی ادامه می دهد: «خاطره دیگری که از کودکی و حضورم در محافل مذهبی دارم، مربوط به سال ۱۳۳۸ است. در سرای محمدیه که به دو در هم معروف بود و جنب مغازه کفش فروشی پدرم در بازار کفاشان قرار داشت، قبل از سخنرانی آیت ا... واعظ طبسی مداحی می کردم.»

در محضر امام خمینی(ره) مداحی کردم

اما نعیم آبادی می گوید که بزرگ ترین افتخار برای او حضور و مداحی در مجلسی بوده که زعامت آن را حضرت امام خمینی(ره) عهده‌دار بودند. او این خاطره را که مربوط به قبل از انقلاب است، این طور روایت می کند: «نزدیک اذان بود که حضرت امام(ره) وارد اتاق شدند، رو به قبله ایستادند و جمعیت نیز پشت سرشان نماز خواندند؛ پس از آن، نوبت به مداحی و ذکر مصیبت رسید و من هم یکی از مداحان جمع بودم. به یاد دارم مداحی ام را با یک رباعی شروع کردم: "اندر حضور عالم کمتر نما تکلم / دانا خموش باشد با لعل پر تبسم / در محفل بزرگان پای سخن به هم پیچ / جایی که آب باشد، باطل بود تیمم" این شعر من باعث شد جمعیت صلواتی بفرستند و ساکت شوند. بعد، یک رباعی دیگر و در ادامه نیز شعری درباره سفر کربلا خواندم که اشاره داشت به محل هایی که رفتیم و در آخر هر بیت می گفتم: «سلام شاه توس را بر جدش حسین بردیم و ...» خلاصه با وجود استرسی که داشتم، اجرای خوبی از آب درآمد، مجلس که تمام شد بزرگ ترها جلو رفتند برای عرض ادب، حضرت امام(ره) ایستاده بودند و خوشامد می گفتند. نوبت به من که رسید، ایشان روی زمین نشستند، آمدم خداحافظی کنم که ایشان نگاهم کردند؛ خم شدم که دست آقا را ببوسم؛ ولی همین که جلو رفتم، حضرت آقا دست من را گرفتند و کشیدند طرف خودشان و پیشانی من را بوسیدند. در آن لحظه این حس در من ایجاد شد که این مرد خیلی بزرگ است و می شود او را بی نهایت دوست داشت.»

از شهادت طیب لوطی هیئتی‌ها، تا فیلم‌برداری از یک انقلاب

وی از شروع ماجراهای انقلابی زندگی اش نیز می گوید: «خبر دستگیری حضرت امام(ره) برای من که ایشان را از نزدیک ملاقات کرده بودم و محبتشان در دلم نشسته بود، خیلی سخت بود. اما وقتی خبر شهادت طیب یکی از لوطی های هیئتی را که در بطن مبارزات بود، شنیدم، تکان خوردم. فهمیدم این جریان انقلابی که راه افتاده است باید به ثمر بنشیند تا روی آرامش ببینیم. همان جا عهد کردم کمکی برای این جریان باشم.»

نعیم آبادی، نقبی می زند به سال های منتهی به انقلاب و ادامه می دهد: سال ۵۷، فقط ۲۵ سال داشتم و حرفه‌ام سنگ‌بری بود اما وقتی اعتراضات انقلابی زیاد شد، دوربین روی دوش گذاشتم تا این وقایع را ثبت کنم. البته این کار سختی بود، ممانعت‌ها زیاد و شرایط خطرناک بود، حتی خود انقلابیون هم رغبتی نشان نمی‌دادند. این موضوع را با شهید هاشمی نژاد در میان گذاشتم و ایشان کمکم کردند تا نگاه مردم نسبت به حضور من و دوربینم تغییر کند و باور کنند که من هم یک انقلابی ام.

بار روایت تاریخ را به دوش کشیدیم

این چهره پیشکسوت، از بار دشواری می گوید که بر شانه راویان انقلاب سنگینی می کرد و توضیح می دهد: مردم حامیانم بودند. برای رسیدن به قلب وقایع کمکم می کردند. این، مسئولیت من را سنگین‌تر می کرد. خاطرم است، روز حادثه بیمارستان امام رضا(ع) من مسجد کرامت بودم و تا موضوع را شنیدم سریع خودم را به بیمارستان رساندم و از تمام درگیری ها فیلم گرفتم؛ از اتاق های عمل و سردخانه‌ها. جنایات رژیم وحشتناک بود. این سبعیت در حادثه ۹ دی ماه نیز تکرار شد. تلاش کردم همه آن ها را ثبت و مستند کنم.

وی خاطر نشان می کند: من یک فیلم بردار نبودم و شغلم کار در کارخانه سنگ‌بری بود، اما انقلاب من را به این سمت کشاند، احساس وظیفه می کردم تا آن وقایع ناگفته نمانند. اما به عنوان یک شهروند می گویم زیباترین صحنه‌ها برای من، مربوط می شدند به روز پیروزی این ملت....

یادداشت

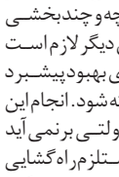

نریمان مصطفایی

مدیر کل دفتر ستاد ملی بازآفرینی شهری وزارت راه و شهرسازی

مهار اسکان غیررسمی و ضرورت تدوین سیاست ملی شهرنشینی جدید در ایران

مشکلی که امروزه پیش روی برنامه‌ریزان شهری قرار دارد، چگونگی اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های پایدار شهری و ترسیم جلوه‌های این پایداری در شهرهاست. نیل به چنین شرایطی، نیازمند جهت دادن به هدف‌ها و برنامه‌های اجرایی، اصلاح وضعیت ساختارها و مدیریت‌های مرتبط در اداره امور شهرهاست. دگرگونی‌های مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سده‌های اخیر باعث تحولاتی در شهرنشینی کشور شده است. اثرات این دگرگونی‌ها در تحول شکل کالبدی و توسعه فضایی شهرها تبلور یافته که پیامد آن شکل‌گیری بافت‌های ناکارآمد شهری است. هم اکنون برنامه‌ریزی برای شهرها با مسائل ساختاری، نهادی و مدیریتی عدیده‌ای از جمله، نداشتن استقلال مالی شهرداری‌ها، وجود طرح‌های بی‌برنامه و موضعی بدون توجه به وضعیت کلان، برخورد گزینشی و... مواجه است. این امر تدوین سیاست ملی شهرنشینی جدیدی در ایران را می طلبد. هم اکنون رویکرد بازآفرینی شهری می تواند با داشتن نگاه همه جانبه به عنوان سیاست ملی شهرنشینی جدید در کشور مطرح شود. همچنین با توجه به این که ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی مستلزم اتخاذ سیاست‌های چندوجهی در حوزه عمران، خدمات و مسکن شهری و ارائه خدمات اجتماعی و اقتصادی به ساکنان این نواحی است، بنابر ماهیت، از یک سو باید به صورت یکپارچه و چندبخشی در محیط کالبدی انجام شود و از سوی دیگر لازم است از برنامه های اقتصادی - اجتماعی برای بهبود پیشبرد طرح‌ها در این مناطق شهری بهره گرفته شود. انجام این وظیفه به تنهایی از عهده یک دستگاه دولتی برنمی آید و پیشبرد آن در مقیاس بزرگ و مؤثر، مستلزم راه‌گشایی جامع و همه سونگر، همسویی و همیاری، تعهد مشترک و هماهنگ مجموعه دستگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها در سطوح ملی، استانی و محلی با همراهی و مشارکت مردم و فعالان غیردولتی و خصوصی است. در همین زمینه و در نگاه کلان سیاستگذاری‌هایی انجام شده است که در چهارچوب سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی، می گنجد. تلاش شده است در این سند هم آن نگاه جامع و هم آن رویکرد کلان و فراگیر را مدنظر داشته باشیم. در مجموع نگارنده بر این باور است که تنها یک عزم ملی خواهد توانست اهداف کوتاه یا بلندمدت را برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور تامین کند. اما این همسویی ما را به کجا خواهد رساند؟ پاسخ شفاف است، اگر با مشارکت مدیریت شهری، هم صدایی در امر ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی اتفاق بیفتد، این چند امر مهم، محقق می شود: ۱- برنامه‌ای یکپارچه و فراگیر برای چاره‌جویی اسکان غیررسمی در ایران ۲- ایجاد اراده‌ای سیاسی و عزم ملی برای اقدامات متفاوت از روال گذشته ۳- الزام به هماهنگی و همسویی بخش های مرتبط با مسئله ۴- شفاف سازی و قانونمند کردن حقوق و تکالیف شهروندی ساکنان اسکان غیررسمی

این چنین راهبردی علاوه بر چاره‌جویی مشکلات کنونی، متوجه پیشگیری از گسترش آن در آینده نیز می باشد و هیچ منافاتی با دیگر اقدامات و سیاستگذاری ها برای فقرزدایی، توسعه همه جانبه و ایجاد تعادل های منطقه ای در کشور ندارد؛ بلکه در جهت تقویت آن هاست. با این حال ساماندهی و توانمندسازی محلات دارای اسکان غیررسمی و پیش‌نگری و پیشگیری از ایجاد و گسترش این نوع سکونتگاه‌ها تا خروج از انزوای کالبدی و اجتماعی آن‌ها نیازمند برنامه کلان دیگری است. در نهایت بنا به تجارب موجود، هر چند هدف اولیه اسکان نابسامان، تأمین سرپناه و مسکن متناسب با استطاعت بوده، با این حال، ارتقای این دسته از سکونتگاه‌ها، اقدامی فراتر از رویکردهای کالبدی و به‌ویژه تامین مسکن و سرپناه است. درک بهتر از ماهیت زندگی و فرایند شکل گیری اجتماعات محلی و مشارکت واقعی و نهادمند آنان در تمامی فرایندهای طرح (از برنامه‌ریزی و اجرا تا پایش و ارزیابی) باید هدف نهایی باشد.

سودوکو [۱۸۶۷]

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در جدول قرار دهید که در ستون‌های عمودی و افقی و نیز جداول کوچک ۹ خانه‌ای یک عدد ۲ بار تکرار نشده باشد

متوسط

۱		۹				۲		۸
				۸				
	۷			۲	۹	۵		۳
	۳	۱	۶					
	۵						۱	
					۱	۶	۵	
۶		۲	۸	۴			۳	
				۱				
۵		۴				۸		۱

سخت

		۹	۵	۸				
	۸				۲		۱	
		۷				۴		
								۵
۱			۷		۵			۹
۳								
		۸				۲		
	۴		۲				۶	
				۵	۶	۱		

۱۸۶۶

متوسط

۹	۷	۱	۵	۲	۴	۸	۶	۳
۳	۶	۲	۹	۷	۸	۱	۴	۵
۸	۵	۴	۶	۱	۳	۲	۹	۷
۶	۳	۷	۸	۱	۵	۴	۲	۹
۱	۹	۸	۳	۴	۲	۵	۷	۶
۲	۴	۵	۷	۶	۹	۳	۱	۸
۵	۱	۹	۴	۳	۷	۶	۸	۲
۷	۲	۶	۱	۸	۱	۹	۵	۴
۴	۸	۳	۲	۹	۶	۷	۱	۵

سخت

۴	۸	۵	۲	۱	۳	۹	۷	۶
۶	۱	۷	۹	۲	۸	۴	۳	۵
۹	۲	۶	۵	۷	۴	۸	۱	۳
۲	۴	۱	۸	۵	۶	۳	۱	۹
۱	۷	۶	۸	۹	۳	۵	۴	۲
۵	۹	۳	۴	۷	۲	۱	۶	۸
۳	۲	۸	۱	۴	۵	۹	۶	۷
۸	۵	۱	۳	۶	۷	۲	۹	۴
۷	۶	۴	۷	۳	۹	۶	۸	۱